گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۸۹۷۴
دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ ۶:۱۲

به قلم مهدی بیرانوندو مریم نعیمی؛

بررسی رمان «همزاد» داستایفسکی ارتباطی میان روانشناسی و ادبیات

روان‌شناسی در تاریخچهٔ کوتاه خود، به گونه‌های متفاوتی تعریف شده‌است. پیشینه روان‌شناسی از همه نظام‌های علمی موجود، بیشتر است.رمان "همزاد" در سال ۱۸۴۶ توسط فئودور داستایفسکی نگاشته شد. این کتاب پس از موفقیت نسبی داستایفسکی در اولین رمانش "بیچارگان" نوشته شده است.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، روان‌شناسی در تاریخچهٔ کوتاه خود، به گونه‌های متفاوتی تعریف شده‌است. پیشینه روان‌شناسی از همه نظام‌های علمی موجود، بیشتر است.رمان “همزاد” در سال ۱۸۴۶ توسط فئودور داستایفسکی نگاشته شد. این کتاب پس از موفقیت نسبی داستایفسکی در اولین رمانش “بیچارگان” نوشته شده است.

روان‌شناسی در تاریخچهٔ کوتاه خود، به گونه‌های متفاوتی تعریف شده‌است. اولین دسته از روان‌شناسان، حوزه کار خود را «مطالعه فعالیت ذهنی» می‌دانستند. با توسعه رفتارگرایی در آغاز قرن حاضر و تأکید آن بر مطالعه انحصاری پدیده‌های قابل اندازه‌گیری عینی، روان‌شناسی به عنوان «بررسی رفتار» تعریف شد.

پیشینه روان‌شناسی از همه نظام‌های علمی موجود، بیشتر است. ریشه‌های آن را می‌توان تا سده چهارم و پنجم پیش از میلاد، با دانشمندانی چون افلاطون و ارسطو دنبال نمود؛ ولی به قول هرمان ابینگ هاوس، قرن ۱۹، ”روان‌شناسی، پیشینه‌ای دراز، اما تاریخچه‌ای کوتاه دارد. یک فیلسوف تحصیل‌کرده آلمانی به نام" رادولف گوسلنیوس"، ابداع‌کننده اصطلاح «سایکولوژی» است. تا حدود اواخر سده نوزدهم، روان‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علم فلسفه، شناخته می‌شد و همچنین، به‌عنوان یک کیش در برخی فرهنگ‌ها در نظر گرفته می‌شد که شامل تهاجم افکار و نابودی یگانگی درونی می‌گردید.

رمان “همزاد” در سال ۱۸۴۶ توسط فئودور داستایفسکی نگاشته شد. این کتاب پس از موفقیت نسبی داستایفسکی در اولین رمانش “بیچارگان” نوشته شده و باعث شد داستایفسکی با اعتماد به نفس درباره این رمان صحبت کند. داستایفسکی در نامه ای به برادرش اعلام کرد که قصه جدید «ده چندان عالیتر از مردم فقیر است. گروه ما می گویند که بعد از نفوس مرده (نوشته گوگول) هرگز چیزی همتای آن در روسیه نبوده است، که اثر مال یک نابغه است، و چه حرفها که نمی زنند!» به رغم قیاس مضحک با رمانی بلند و شاهکاری بزرگ، داستایفسکی، همچو گوگول، در پی اصالت کوشیده بود، منتها در قلمرویی بسیار تنگ دامنه تر از هنر داستان سرایی وی. رمان همزاد، نسبت به زمانش، بررسی شگفت انگیزی در باب روان شناسی آدمهای نابهنجار (آنورمال) است.

قدرتی که بدان داستایفسکی هستی و هم آمیز همزاد را نگاه می دارد و ظرافت ژرفکاوي روان شناختی اش در ذهن منحرف گولیادکین، مهارت هنري مؤثر نویسنده جوان را آشکار می کنند. نابسامانی روانی قهرمان بی ارتباط به او نیست. همچو می نماید که این نخستین سعی در تحلیل شخصیت شکافته، به اشتغال خاطر بعدی داستایفسکی در باب رویه های گوناگونِ دوگانگی در آفریدن برخی از بیاد ماندنی ترین قهرمانانش پیوسته است. با آنکه هرگز دوباره رویه های آسیب شناختی (پاتولوژیک) را کاملا تا مورد گولیادکین فرا نمی برد، باری در صحنه معروفی از برادران کارامازوف نزدیکش می رود. در این صحنه ایوان با همزادش روبه رو می شود که به طور بسیار مؤثری دو سو گرایی وی را برملا می کند.

چکیده کتاب

قهرمان همزاد، «گولیادکین»، کارمند دولت، مبتلا به جنون افزاینده تعقیب و آزار، به مردی بر می خورد که عینا به او می ماند و همنام او است. ابتدا گولیادکین با او دوستی می جوید و شغلی در اداره خود برایش دست و پا می کند. باقی داستان ماجراهای قهرمان را با همزادش مو به مو نقل می کند. گولیادکین با غیظی رو به فزونی مشاهده میکند که او تحسین و عنایت بالادست ها و همکارانش را به دست می آورد، حال آنکه کوشش خودش در کسب این مزایا عبث بوده است. در ذهن پریشان او، همزاد، رهبر دسیسه ای علیه او می گردد و او بارها بیهوده می کوشد آن آدم گستاخ را لو بدهد. پس از یک رشته رویدادهای نهایی که در آنها رقیبش وی را خوار میدارد، قصه این گونه به سر می رسد که همزاد گولیادکین را در سوار شدن به کالسکه ای که عزم راه تیمارستان دارد کمک می کند.

مریم نعیمی: قهرمان داستان از نظر سلامت روان باید برسی کرد چرا که بعد از پیدا کردن آن مرد در خیابان که فکر میکرد همزادش هست او را بعدا دچار تناقضات روانشناختی کرد چرا که اون در وحله ی اول قصد کمک به آن مرد را داشت ولی بعد از اینکه دید آن مرد به پیشرفت هایی رسیده و او مثل خودش تا به الان به آن مرحله و مقام شغلی نائل نشد البته این ها توهمات و افکار نادرست گولیادکین بود اما در واقعیت چنین اتفاقی نیفتاده و فقط تفکرات نادرست او بوده است .

به طور خلاصه می توان گفت که نداشتن عزت نفس و عقده ها و آسیب هایی که از زمان کودکی یا شاید داشتن اختلالاتی که درمان نشده اند و مسائل دیگر ....

گرچه در درمان های روانشناسی بالینی نمیتوان خیلی سریع به افراد برچسب اختلالات مختلف رو زد چرا که دور از اخلاق می‌باشد و باید مسائل را به خوبی بررسی کرد و بعد اگر نیاز بود دوره درمان را آغاز کرد .